

پیامبر(ص)؛ رحمتی فرازمانی و فرازمینی



حضرت امام‌المسلمین سید‌احمد باقر
عظیمی و کارشناس مذهبی

قرآن کریم در آیات متعدد درباره فلسفه رسالت انبیا تصریح می‌کند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ... وَاجْتَنِبُوا الصَّفَاغُوتَ». از این آیه درمی یابیم که رسیدن انسان به کمال و سعادت در زندگی فردی و اجتماعی، هدفی است که خداوند در بعثت انبیا دنبال کرده است. در این میان پیامبر اکرم (ص)، آخرین حلقه جریان رسالت است و دینی را برای بشر به ارمغان آورده که جامع همه ادیان است و بر آن‌ها سیطره دارد و مزایای ادیان قبل و معارف جدید را درکنار هم دارد. در میان ۱۲۴ هزار نبی الهی، پنج تن رسالت جهانی داشتند که برترین آن‌ها رسول خدا، حضرت محمد مصطفی (ص)، است و کتابی را برای بشر آورده است که جامع ترین کتب آسمانی است. حضرت رسول (ص) با ابزار تبشیر و انذار و آموزش و تربیت، هدایت انسان ها و دعوت آن‌ها به مسیر بندگی را عهده دار بوده‌اند و رسالت ایشان از نظر تاریخی عمیق تر است و از نظر گستره، همه جهان را دربر می‌گیرد.

موفق ترین انسان تاریخ

شهید مطهری می‌گفت: موفق ترین انسان تاریخ، حضرت محمد مصطفی (ص) است که بدون تکیه به قدرت های جهانی آن روز یعنی ایران و روم و بدون اتکابه سرمایه داران و تنها با پشتوانه دین عقلائی، اخلاقی، فطری و وجدانی و با اخلاق خوش، توانست در کمتر از پنجاه سال بیش از نیمی از مردم جهان آن روز را به آیین اسلام متوجه کند. حضرت رسول (ص) با دست خالی چنین جمعیتی را پای سفره اسلام آوردند و بنا بر تصریح اطلس جغرافیایی جهان اسلام، قرن به قرن بر این جمعیت در همه قاره‌ها افزوده شده و اسلام با رشدی فرایند در جهان، گسترش یافته است. بنا بر اعلام شبکه که بی بی سی، در سال ۲۰۵۵ جمعیت مسلمانان از مسیحیان جهان، پیشی خواهد گرفت، چنان‌که شمارگان قرآن با همه تبلیغات علیه اسلام و قرآن در آمریکا و اروپا رو به فزونی است. این نشانه‌ها ثابت می‌کند نبی مکرم اسلام (ص) چه در زمان نبوت و حیات خود و چه در طول تاریخ در رسالت خویش موفق بوده و اثرگذار عمل کرده‌اند. لذا همان‌طور که قرآن پیش‌بینی کرده است، اسلام جهانی می‌شود.

رحمت فرازمانی و فرازمینی

رحمت وجود مقدس پیامبر (ص)، فرازمانی و فرازمینی است. اینکه در آیات پایانی سوره مبارک توبه به دل‌سوزی پیامبر (ص) اشاره می‌شود، به فرموده آیت...العظمی جواد(ع) آملی فقط مربوط به زمان پیامبر اکرم (ص) نیست، بلکه امروز هم چنین است و اینکه قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» اکنون هم صدق می‌کند، یعنی پیامبر (ص) امروز هم گواه بر جامعه بشری هستند، غصه انسان‌ها را می‌بینند و در حق آن‌ها دعا می‌کنند.

تأکید پیامبر(ص) بر وحدت

پیامبر (ص) به موضوع وحدت توجهی ویژه داشتند و چهارپنج‌بار مسلمانان را جمع کردند و بین آن‌ها عقد اخوت خواندند. این تکرار و تأیید حضرت از اهمیت موضوع وحدت حکایت می‌کند. مهم‌ترین هدف دشمنان که در رأس آن‌ها، شیاطین انسی و جنی قرار دارند، نیز ایجاد تفرقه است تا دشمنی و کینه بین مسلمین ایجاد کنند، لذا امت پیامبر (ص) باید با الهام از سیره حضرت رسول (ص)، انسجام و اتحاد را از خانه‌های خود شروع کنند و بین دوستان و اطرافیان و در جامعه گسترش دهند. هرچه وحدت در جامعه اسلامی بیشتر باشد، مسیر رسیدن به اهداف و مقابله با دشمنان هموارتر می‌شود.

سیمای او همانند ماه می‌درخشید



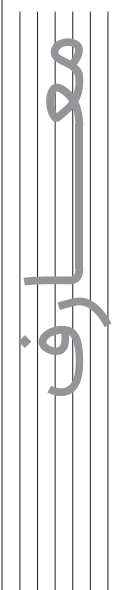
ریحانه عامل‌نیک‌ا همه ما کم‌یا زیاد تقریباً با داستان ولادت حضرت محمد (ص) آشنا هستیم. ایشان تجسم عالی بندگی در درگاه حق تعالی هستند و احتیاجی ندارند که من کمترین به برهان و حجت درمورد عظمت و جودی شان صحبت کنم. درباره پیامبر بزرگوار اسلام، خداوند متعال سخن گفته است و در جای جای قرآن کریم می‌توان این جلال و عظمت را مشاهده کرد. آن حضرت در روز جمعه ۱۷ ربیع‌الاول در سال «عام الفیل» یعنی سالی که قوم فیل برای تخریب خانه کعبه و اشغال مکه به حجاز آمدند، در شهر مکه بعد از طلوع فجر، به دنیا آمدند و حامل رسالتی شدند که عصاره تمام ادیان الهی قبل از خود و پایان دهنده رسالت تمام انبیا و رسولان الهی است.

در مورد شرح ولادت پیامبر گرامی سراغ چه شخصی برویم بهتر از مادر بزرگوارشان آمنه؟ در روایت‌ها آمده است که ایشان نقل می‌کنند: «وقتی زمان فارغ شدنم نزدیک شد، دیدم بال پرندۀ‌ای سفید بر قلبم کشیده شد و همه ترس و نگرانی‌ها از من دور شد، نوشیدنی سفیدرنگی برای من آوردند و من که تشنه بودم، از آن نوشیدم. نوری مرا دربر گرفت، سپس بانوانی بلندقامت با من سخن گفتند ولی گفتار آنان همانند گفتار انسان‌ها نبود. ناگهان دیدم پارچه ابریشمی سفیدی بین آسمان و زمین را پوشانده است و هانفی می‌گوید: «از گرمای ترین مردم، او را بگیرد. مردانی را دیدم که در آسمان ایستاده بودند و در دستان آنان جام‌های آب بود. به شرق و غرب زمین نگاه کردم و پرچمی از سندس (پارچه بافته شده از حریر) دیدم که بر ستونی از یاقوت بین آسمان و زمین در پشت کعبه برافراشته بود. پس از آن محمد (ص) به دنیا آمد. درحالی‌که انگشتان خود را به آسمان بلند کرده بود. ابر سفیدی از آسمان پایین آمد و او را دربر گرفت.

منادی گفت: «محمد را در شرق و غرب زمین و دریاها گردش دهید تا همگان، او را به نام و صورت و عنوان بشناسند. سپس او را با گردانند و دیدمش که در پارچه‌ای سفیدتر از شیر پیچیده شده بود و زیر او پارچه‌ای بود از ابریشم سبز. سه کلید از جنس مروارید تازه با او بود. هانفی می‌گفت: «کلیدهای یاری (نصرت)، رحمت و نبوت همیشه با اوست». پس از آن، ابر دیگری او را فراگرفت و مدتی بیش از بار اول، او را با خود برد.

بعد از آن شنیدم که منادی می‌گفت: «محمد را در شرق و غرب بگردانید و او را بر جنبان و آدمیان، پرندگان و درندگان نمایش دهید و به او عطا کنید صفای آدم، نازک دلی نوح، دوستی ابراهیم، زبان اسماعیل، کمال یوسف، شادی یعقوب، صدای داوود، زهد یحیی و کرم عیسی را». سپس هانفی گفت: «همه دنیا در اختیار و قدرت محمد درآمد.»

سپس سه نفر را دیدم که صورت آنان همانند خورشید می‌درخشید. در دست یکی از آنان، جامی نقره‌ای با منکب بود و در دست دومی، ظرف زمردین چهارگوشه‌ای بود که در هر گوشه آن مروارید سفیدی قرار داشت. در این وقت هانفی گفت: «این دنیاست، ای حبیب خدا! آن را بگیر». محمد (ص) وسط آن را گرفت. منادی گفت: «محمد (ص) کعبه را گرفت». در دست سومی، پارچه ابریشمین سفیدی بود که آن را کشود و از آن مهری خارج کرد که چشم بیننده را به خود جلب می‌کرد. پس از آن هفت بار از آب همان جام شست و کفش محمد (ص) را با آن مهر کرد و او را به سخن گفتن واداشت و چیزهایی گفت که من نفهمیدم. مگر این چند جمله را: «در پناه خدا باشی! من قلب تو را از ایمان و علم و یقین و عقل و شجاعت انباشتم. تو برترین انسان هستی. آن که از تو پیروی کند، سعادت‌مند است و آن که فرمان تو را نبرد، بدبخت» (مجلسی، کتاب بحار‌الأنوار، ج۵، ص ۷۲۷). پس از زایمان آمنه، به دیدار او از عبدالمطلب، جد بزرگوار پیامبر (ص)، نقل است: «پس از زایمان آمنه، به دیدار او و فرزندش رفتم. سیمای محمد همانند ماه تمام می‌درخشید.»



معنای مدارا در سیره نبوی

مدارا با مردم باید تبیین شود. مدارا به این معنا نیست که از چارچوب تعیین شده شریعت خارج شویم. باید در جایی که می‌توان بخشید، ببخشیم نه آنکه با هر وضعیتی بیرون بیاییم و وضعیت جامعه را آلوده کنیم و بعد از مردم مدارا بخواهیم! مگر در دوران کرونا در مقابل نزدن ماسک با مردم مدارا می‌شد؟ نه! باید فاصله اجتماعی و اصول بهداشتی رعایت می‌شد. لذا مدارا با مردم رایه تسامح و اغماض تعبیر نکنیم. مدارا در سیره پیامبر (ص)، تکریم مردم و تسامح در برابر اشتباه و خطای جاهلانه آن‌ها بود، چنان‌که وقتی به ایشان توهین و جسارت می‌شد، صبوری می‌کردند و رأفت داشتند اما درباره زیر پا گذاشتن اصول و حدود چنین نبودند.

۳ شرط حسن خلق

عمل حسن یعنی اولاد در چارچوب شریعت باشد؛ وگرنه خُسنی بر آن فعل بار نمی‌شود. کسی که در محضر پروردگار رفتار مناسبی ندارد، حتی اگر در ظاهر الفاظ زیبا به‌کار ببرد، اخلاقش حسن نیست. دومین شاخصه حسن خلق، اجبارنا داشتن است؛ چون ممکن است اخلاق نیکو در برخی مشاغل برای جذب مشتری باشد و سومین شاخصه، رعایت سلسله مراتب ابتدا در برابر خدا، بعد پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و سپس پدر و مادر و خانواده و... است.

همسر و پدري نمونه

ما پیامبر (ص) را در مقام رسالت می‌بینیم اما ایشان قبل از مسئولیت رسالت، همسر بودند برای حضرت خدیجه (ص) و عاشقانه ایشان را دوست می‌داشتند و تا قبل از وفات آن بانوی بزرگوار هیچ همسر دیگری اختیار نکردند و ازدواج‌های مصلحتی پیامبر (ص) بعد از وفات خدیجه کبری (ص) بوده است. توجه به حضرت زهرا(ع) مرضیه (ص) به عنوان پدر نیز، در سیره نبوی جایگاه و آموزه‌های خاصی دارد. اگر دختر گرمای محبت را از پدر نگیرد، در جای دیگری به دنبال آن می‌رود و آسیب می‌بیند.

دل‌گرفتگی‌های پیامبر (ص)

در خانه رفع می‌شد

در حدیث کسا به وضعی که بر پیامبر (ص) عارض شده است، اشاره می‌شود و اینکه ایشان در چنین حالتی نزد دخترشان می‌روند و خانواده را پناه می‌دانند. در سیره پیامبر (ص) هر ضعف و دل‌گرفتگی در خانه رفع می‌شود، اما امروز چه می‌بینیم؟ متأسفانه مردان متدین و مذهبی در رفتار خود با همسر و فرزند دقت لازم را نمی‌کنند و شاهدیم زنان و مردان هم تفریحات جدی از هم دارند که باید مراقب باشیم از گرمی کانون خانواده نکاهد. ما باید این ابعاد سیره نبوی را استخراج و تبیین کنیم.

در گفت‌وگوی شهرآرا با حجت‌الاسلام والمسلمین مؤمنی مطرح شد

میلاد پیامبر اعظم (ص)، خانه‌های مؤمنان را روشنی بخشید

آمنه مستقیمی؛ وقتی می‌گوییم پیامبر (ص) رحمت للعالمین و دارای خلق عظیم هستند، یعنی نه فقط مردمان هم عصر ایشان بلکه همه تاریخ از رحمت و برکت آن وجود مقدس بهره‌مند شده‌اند و تا قیامت این برخورداری ادامه دارد. این ماییم که به قدر تلاش و همتان برای شناخت و عملی کردن آموزه‌های نبوی از آن رحمت بی‌پایان بهره می‌بریم. به مناسبت فرارسیدن هفدهم ربیع الاول، سالروز ولادت نبی خاتم (ص)، درباره جلوه‌هایی از رحمت رسول اکرم (ص) برای عالم، با حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسین مؤمنی گفت‌وگو کرده‌ایم.

آشذءا علی الکفار ؤحمة یبئهم

حسن خلق امتیازی است بسیار ارزشمند که پیامبر اکرم (ص) در حالات مختلف آن را داشتند. این خصیصه در جذب قلوب و دفع بسیاری از آسیب‌ها مؤثر است و انسان را محبوب قلب‌ها می‌کند. رسول خدا (ص) یا کسانی که می‌خواستند در مسیر بندگی باشند اما ممکن بود از سر چهل مرتکب برخی اشتباهات شوند، اخلاق نیکو و مهربانی داشتند؛ البته این فرق می‌کند با آن‌هایی که با ما دشمنی می‌کنند و حقوقمان را زیر پا می‌گذارند. حسن خلق با آن‌ها که بر باطل اصرار می‌ورزند، معنا ندارد؛ چنان‌که پیامبر (ص) در عین حسن خلق با افراد جاهل، در برابر کفار و انکش شدید نشان می‌دادند.

خلق عظیم در همه حالات

اینکه قرآن کریم، حضرت محمد (ص) را صاحب خلق عظیم می‌داند، مربوط به همه حالات و ساحت‌های شخصی، اجتماعی و خانوادگی ایشان می‌شود و چون حسن خلق در وجوه مختلف مطرح است، ممکن است فردی در زندگی شخصی اخلاق نیکو داشته باشد اما در زندگی اجتماعی نه یا بالعکس. حسن خلق باید هم در رفتار فردی جلوه‌گر باشد، هم در مراودات اجتماعی و هم در امور سیاسی.

معیارهای خدیجه کبری (ص)

برای ازدواج با پیامبر (ص)

فارغ از اینکه حضرت محمد (ص) پیامبر و برگزیده خدا بودند و امتیازات منحصر به فردی در ایشان وجود داشت، به‌عنوان یک انسان خصایصی داشتند که حضرت را مشمول احترام و آمین مردم کرده بود؛ چنان‌که حضرت خدیجه کبری (ص) هنگام ازدواج با ایشان گفتند: «به تو رغبت پیدا کردم به دلیل اینکه به من نزدیک و درمیان قومت، انسان باشرافتی بودی (یعنی درباره تو تحقیق کرده‌بودم و اطلاع داشتم) و نیز به سبب امانت‌داری، راستگویی و حسن خلق». پیامبر (ص) مدت‌ها کارگزار حضرت خدیجه (ص) در کاروان‌های تجاری بودند و امانت‌داری، صداقت و اخلاق نیکوی ایشان برای آن بانو ثابت شده بود.

اوج ادب در خانواده پیامبر (ص)

پیامبر رحمت و مهربانی به ارحام و اطرافیان توجه و رسیدگی می‌کردند. رفتار ایشان با همسر، فرزند، نوه‌ها و با اطرافیان، همه قابلیت الگوسازی و تبیین را دارد، به‌ویژه آنکه جامعه امروز ما به شدت به این رفتارها و تبیین و نهادینه‌سازی شان نیاز دارد. حدیث کسا به خوبی نحوه تعامل و محبت و ادب در رفتار و کلام خانواده پیامبر (ص) را ترسیم می‌کند؛ برای مثال وقتی امام‌مجتبی (ع) وارد می‌شدند، به صرف اینکه نوه پیامبر (ص) بودند، وارد خلوت حضرت نمی‌شدند، احترام کرده، اجازه می‌گرفتند؛ چون از قبل چنین تربیت شده و پرورش یافته بودند.

راه حفظ دین پیامبر (ص)

حفظ سیره پیامبر (ص) و عمل به آن یعنی حفظ دین و آموزه‌های نبوی. پیامبری که فرمودند: هیچ رسولی مثل من آزار ندیده است، سختی‌های بسیار دیدند و غصه‌ها برای هدایت امت خود خوردند و امروز باید سبکی از زندگی را که مورد تأیید ایشان است، تبیین و اجرا کنیم؛ به‌ویژه آنکه متأسفانه برخی گناهان مثل شرابخواری و قمار برای عده‌ای در حال عادی شدن است و نباید اجازه دهیم چنین اتفاقی بیفتد.

نشانه برادری، وفاداری در سختی و آسایش است. بحار‌الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۱۴.

نسلی برای خداوند

امام حسن (ع)؛

الإِخاءَ الوَفاءَ فی البُدَّةِ و الزَّخاءَ.

حمیده ذاکری| نه در میان اعراب که در همه جای دنیا نسب، عنصری تأثیرگذار بر آینده و خلق و خوی فرزند در نظر گرفته می‌شود که علم امروزی هم بر ژنتیک و وراثت صحه می‌گذارد. در مورد اجداد رسول خدا (ص) در منابع تاریخی و روایی، نمونه‌های چندی آمده است، اما داستان نذر در عبدالمطلب و ذیح عبدا... و حدیث «انا ابن الذبیحين» روایت امروز ماست. همان‌طور که می‌دانید، در تاریخ دینی منظور از ذبیح اول حضرت اسماعیل (ع) و منظور از «ذبیح» دوم، «عبدا...» پدر رسول خدا (ص) است. حدیث «انا ابن الذبیحين» در بسیاری از کتاب‌های محدثان و مفسران

شیعه و اهل سنت از رسول خدا (ص) نقل شده است. داستان ذیح عبدا... را نیز بسیاری از اهل حدیث و تاریخ و سیره‌نویسان با مختصر اختلافی در کتاب‌های خود آورده‌اند. به زبان ساده و به‌طور مختصر داستان «به قربانی انتخاب شدن پدر حضرت محمد (ص) از این قرار است که با متولد شدن حضرت حمزه و عباس، عموهای پیامبر (ص)، عدد پسران عبدالمطلب به ده تن رسید و عبدالمطلب نذری کرده بود که بنا به آن باید یکی از فرزندان خود را در پیشگاه خداوندش قربانی می‌کرد. او برای ادای نذر از بین مکه به شادی بلند شد و همگی خوشحال

درآمد. در این هنگام عبدالمطلب، عبدا... را به جایگاه قربانی آورد تا در راه خدا قربانی و به نذر خود عمل کند. مردم مکه و قریش و فرزندان دیگر عبدالمطلب و دایی‌های عبدا... پیش آمدند و خواستند جلوی عبدالمطلب را بگیرند. پس از گفت‌وگوی زیاد قرار بر این شد که میان شتران عبدالمطلب و عبدا... قرعه بزنند و اگر قرعه به نام شتران درآمد، آن‌ها را به جای عبدا... قربانی کنند و اگر باز به نام عبدا... درآمد، به عدد شتران بپفزایند و قرعه را تجدید کنند و همچنان به عدد آن‌ها بپفزایند تا وقتی که به نام شتران درآید. وقتی که عدد شتران به صد شتر رسید، قرعه به نام شتران درآمد که در آن هنگام، صدای هلهله زنان و مردان مکه به شادی بلند شد و همگی خوشحال